پیکار پامیر - تورنتو

بسوی بی نیازی

آژانس خبر رسانی (هند و آسیا) در هفته اول ماه اکتوبر اطلاع داد که مهند سین متعلق به ارتش کشور هند، عنقریب اقدام به تمدید یک جادۀ ترانزیتی میان افغانسان و ایران خواهند نمود. در گزارش آمده است که این جاده از شهر دلارام در ایالت قندهار الی شهر زرنج مرکز ایالت نیمروز افغانستان به طول دوصد وهشتاد کیلو متر و به مصرف هشتاد ملیون دلار امریکایی مساعدت دولت هند امتداد خواهد یافت.
باساس گزارش مذکور، قرار است مقامات ایران در چهار چوب همکاریهای وعده داده شده به دولت افغانستان، با اعمار یک پل و فراهم آوری سایر تسهیلات در خاک ایران، جاده مذکور را به بندر آبی (چابهار) وصل نمایند. گفته شده است که تمدید این جاده، کابل را به طول یکهزار کیلو متر نسبت به بندر کراچی (پاکستان) نزدیکتر می سازد.

این جاده هرگاه به پا یه اکمال برسد، علاوه از آنکه ارزش بزرگ اقتصادی برای دو کشور ایران و افغانستان خواهد داشت، از اهمیت عظیم سیاسی در منطقه و بخصوص برای افغانستان محاط به خشکه نیز برخوردارخواهد بود.

برای آنکه خواننده عزیز بتواند ارزشمندی سیاسی – اقتصادی این پروژه را دقیقتر بداند، ناگزیر باید سختی ها و محرومیت هایی را که مردم افغانستان از سدۀ قبل تا امروز در این را ه تحمل کرده اند، بشناسد. یعنی از روزگار یکه استعمار هند بریتانیایی مناطق سند و بلوچستان را عمداً و جبراً از پیکر افغانستان برید (۱۸۹۳م) و باز ازآن سالی که پدیده جدید استعماری بنام (پاکستان) در جنوب شرق افغانستان ایجاد گردید (۱۹۴۷م) دست افغانستان از کلیه امکانات بحری و سهولتهای تجارتی که طی سالهای متمادی ازان بهره مند بود، ظالمانه کوتاه ساخته شد.
اگر اندک نگاهی به رویداد های تاریخی- سیاسی در این زمینه بافگنیم، به این واقعیت تلخ پی میبریم که استعماربریتانیایی نه تنها به اشکال و گونه های مزورانه بحق ملت ایران مرتکب جفا های تاریخی گردید، بلکه بحق ملت افغانستان نیز در طول دو قرن (۱۹ و ۲۰) و با استفاده از ضعف شخصی و دست نشانده گی امیران (خود کش و بیگانه پرور)، جفا های عظیم و اقدامات ناجوانمردانه جبران ناپذیری را انجام داد. این قدرت استعماری در حالیکه سراسر نیم قاره هندوستان را در چنگال گرفته بود، دو مرتبه (در سالهای ۱۸۷۹ و ۱۸۹۳ میلادی) و توسط دو قرار داد تحمیلی وظالمانه، بخش های بزرگی از سرزمین حاصلخیز، ستراتژیک و حیاتی افغانستان را غصب و به قلمرو مستعمراتی خویش مدغم نمود که بعداً در چهار چوب پدیدۀ بنیادی بنام پاکستان تعلق گرفت. وقتی بدینگونه، افغانستان از تسهیلات آبی اش در بحر هند محروم ساخته شد، نه تنها در بخش تجارتی و حمل و نقل مالتجاره دست نگر مقامات هند بریتانیایی و پس ازآن محتاج همکاریهای کرشمه بازانۀ حکومتمداران پاکستان گردید، بلکه آنها (بریتانیا یی ها و پاکستانی ها) از این نیاز ترانزیتی جانب افغانی همیشه سو استفاده سیاسی بعمل آورده اند. مثلا، در سال ۱۹۲۸ میلادی اعلیحضرت امان الله خان ناجی استقلال کشور، مقدار زیاد اسلحۀ مورد نیاز دولتش را از کشور های اروپایی خریداری نموده آنرا از راه بندر کراچی که قبل ازآن ملکیت مردم افغانستان بود، بسوی کابل فرستاد، ولی از آنجاییکه قیام های دستوری و ارتجاعی مسلحانه علیه شاه جوان آغاز شده بود، مقامات هند بریتانیایی مجموع سلاح های خریداری شده را قرنطین نموده نگذاشت به اختیار اعلیحضرت امان الله خان قرار گیرد. علت عمده و اصلی این قرنطینۀ سیاسی این بود که اعلیحضرت امان الله خان بر خلاف اسارت پذیری های پدر و پدر بزرگش (امیر حبیب الله خان و امیر عبدالرحمن خان)، با بسیج استقلال طلبانۀ مردم و رهبری دلیرانۀ جنگ ضد انگلیسی در سال ۱۹۱۹میلادی که سال اول پاد شاهی وی بود، دست استعمار بریتانیا را از گریبان ملت آزادۀ افغانستان کو تاه نموده و ریفورم های بی سابقۀ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به راه انداخته بود .

از سال ۱۹۴۷م به بعد که میراث خواران استعمار بریتانیایی (مقامات پاکستانی) در جنوب شرق افغانستان مقدرات آبی و تجارتی افغانها را در اختیار گرفتند، چندین مرتبه در مواقع بسیار حساس سیاسی از این خط ترانزیتی مورد نیاز افغانستان بمثابه « انگشت افگار» و آله فشار علیه جانب افغانی استفاده نموده و در هر مرتبه ملیونها دلار به مردم افغانستان خسارت وارد کرده اند. سلسلۀ همین فشار ها و مانع تراشی های بی مرو تانه و دراز مدت مقامات پاکستانی و حمایت های کورکورانۀ ایالات متحده ازآن بود که جانب افغانی را بالاخره بسوی شوروی دیروز متمایل گرانید و آتش در خرمن هستی افغانها افتاد.
جا دارد در همینجا یاد آور شو م که اگر دولت مداران افغانستان صاحب هوش و درایت سیاسی و احساس همدردانه با ملت افغان می بودند، می بایست سالها پیش با بر قراری روابط صمیمانۀ متقابل با جا نب ایران و

جلب همکاریهای برادرانهٔ این همسایه همکیش و همزبان ما، اقدام به تمدید جاده ترانزیتی مانند جادهٔ جدید (دلارام -- چابهار) میان دو کشور میکردند که نکردند.
اکنون که خوشبختانه چنین پروژهٔ مفید و ارزشمند از سوی دولت هند و با همکاری جانب ایران در منطقه رویدست گرفته شده است، آنرا به فال نیک گرفته برقراری و استحکام روابط گرمتر میان کشور های برادر(هند و ایران و افغانستان) به نفع ملت های ما را آرزو میکنیم.
همچنان جا دارد خطاب به مقامات پاکستانی بگوییم : « زمستان میرود و روسیاهی به ذغال میماند »

پایان

تبصره:

متاسفانه هیچ کشوری، همسایه یا غیرهمسایه، هم کیش یا غیرهمکیش، همزبان یا غیر همزبان ازلحاظ دوچشم ما با ما از در نکوئی پیش آ مد نمی کند، تا بر آورده شدن مقاصد خود را در نظر نداشته باشد. کشور هند تجاوز شوروی را بر افغانستان محکوم نکرد و ایران هم خواست در بحران های افغانستان مانند پاکستان دخالت کند و به منفعت خود بهره برداری نماید. برما است که باید زیرک و هوشدار باشیم تا نشود امداد اقتصادی بکشور ما تسلط سیاسی را در پی داشته باشد. با کمال تأسف باید گفت که بودند گروهای فروخته شدهٔ اجانب که برای بیگانگان در کشور راه تجاوزرا هموار کردند وافغانستان را در جنگهای قدرت طلبی ویران نمودند. اما بودند و هستند فرزندان صدیق این مرز و بوم که جانهای خود را فدا کردند تا آزادی میهن را حفاظت کرده باشند. نباید فراموش کرد که منافع ملی کشور ما هیچگاه ازنظر زعما ی ملی ودولت مداران راستکار بدور نمانده است. افغان – جرمن - آنلاین